

علة الإرسال الدائمة التي لا تتخلف هي إقامة الحجة:

علت همیشگی و تخلف ناپذیر ارسال رسول، اقامه حجت است.

مما تقدم تبين أن الإرسال حتمي في كل زمان؛ لأن به يتحقق الغرض من الخلق وهو المعرفة، وبه يتحقق إنفاذ إرادة المالك الحقيقي في ملكه، حيث يقوم المرسل أو الخليفة بهذه المهمة أو الوظيفة، كما أنه بالإرسال نفسه تقام الحجة ويقطع العذر حتى وإن كان الرسول أو الخليفة في بعض الأزمنة مجمداً ولا يؤمر بالتبليغ لعدم وجود القابل، فعلة الإرسال التي لا تتخلف في كل زمان هي قطع العذر، حيث إنها علة قائمة دائمة في حال وجد القابل أم لم يوجد (لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل) [النساء: 165].

از آن چه گذشت، روشن شد که ارسال رسول در هر زمانی حتمی است؛ زیرا غرض خلقت (معرفت) به وسیله آن تحقق می یابد و اجرای اراده مالک حقیقی در ملکش به وسیله او محقق می شود، چون رسول یا خلیفه اقدام به انجام این مهم و وظیفه می کند؛ همچنین دانستیم که صرفاً با فرستادن یک رسول، حجت اقامه شده و عذر و بهانه ریشه کن می شود؛ حتی اگر رسول و خلیفه در برخی از زمان ها منزوی بوده و به دلیل عدم وجود قابل، مأمور به تبلیغ نباشد؛ پس علت همیشگی و تخلف ناپذیر فرستادن رسول، قطع عذر و بهانه است، زیرا این علت پیوسته وجود دارد، خواه قبول کنندگانی برای دعوت رسول وجود داشته باشند یا نه: «تا مردم را پس از فرستادن پیامبران، عذر و بهانه و حجتی نباشد؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است»¹.

¹ قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۶۵.

بل حتی فی حال آمن الناس جميعاً فإن إقامة الحجة وقطع العذر تبقى علة قائمة للإرسال؛ لأن معرفتهم وتطبيقهم يعتریها النقص بسبب تقصيرهم، وبهذا يكون وجود الرسول حجة قائمة عليهم.

بلکه حتی در حالتی که همه مردم به رسول ایمان بیاورند نیز همین اقامه حجت و قطع عذر و بهانه، همچنان به عنوان علت ارسال رسول باقی می ماند، زیرا معرفت و عمل آنها به سبب تقصیر و کوتاهی خودشان بازهم دست خوش نقص است و به همین علت وجود رسول برایشان حجت است.

الاستخلاف سنة الله: استخلاف، سنت خداست

بَيَّنَّا عَقْلًا أَنَّ تَنْصِيبَ الْخَلِيفَةِ مُوَافِقٌ لِلْحِكْمَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَمُخَالَفَتُهُ لَا تَصْدُرُ مِنَ الرَّحِيمِ وَالْحَكِيمِ الْمَطْلُوقِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى. وَالْآنَ لَنُعْرِجُ عَلَى النُّصُوصِ وَلَنُرَى مَا حَصَلَ فِي أَرْضِ الْوَاقِعِ وَبِحَسَبِ مَا رَوَتْهُ الْكُتُبُ السَّمَاوِيَّةُ الثَّلَاثَةُ:

از نظر عقلی روشن کردیم که برگزیدن خلیفه موافق حکمت و رحمت است و تخلف از این کار هرگز از رحیم و حکیم مطلق (خدای سبحان) صادر نمی شود. اکنون به نصوص و متون دینی می رسیم تا ببینیم در عالم واقع چه چیزی محقق شده و کتاب های آسمانی در این باره چه می گویند:

أولاً: القرآن:
نخست: قرآن: